بررسی تطبیقی مشترکات دید سیاسی ماهاتما گاندی و امام خمینی(ره)

مهدی باقر خان*

چکیده

نهضت‌ها و جنبش‌های موفق همواره بر مبانی فکری رهبران‌شان استوار هستند. در قرن بیستم در آسیا دو جنبش و نهضت مهم روی داد که رهبران آنها ویژگی‌های مشترک فراوانی داشتند. در این مقاله سعی بر آنست که شباهت‌های فکری و شخصیتی دو رهبر، بررسی و کنکاش شود تا بر همگان آشکار شود که علی رغم تفاوت‌های هویتی و فرهنگی، مشترکات شگرف انگیزی در نوع نگرش سیاسی امام خمینی(ره) و ماهاتما گاندی وجود دارد. با این بحث و بررسی علاوه بر شناخت دقیق‌تر شباهت‌های موجود در نوع نگاه سیاسی این دو رهبر، زیربناها و محرکات مشترک موفقیت آنها و همچنین میزان محبوبیت شان بین مردم نیز معلوم می‌شود.

کلید واژه‌ها

امام خمینی، ماهاتما گاندی، مشترکات، شباهت‌ها، سیاست، انقلاب، استقلال، نهضت، خیزش

مقدمه

در قرن بیستم در آسیا دو جنبش و نهضت مهم روی داد. یکی استقلال هندوستان به رهبری ماهاتماگاندی در سال ۱۹۴۷م/۱۳۲۶ش، که به استعمار انگلیس در شبه قاره هند پایان داد و دیگری پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) که منجر به فروپاشی نظام شاهنشاهی و تشکیل حکومت اسلامی در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ ش شد.

---

* استاد مدعوّ گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ملی اسلامی (J.M.I) دهلی‌نو.

سیری در نوع نگرش سیاسی هر دوی این رهبران می‌تواند بستری در راستای شناخت دقیق‌تر و بیشتر فکر و اندیشه سیاسی و مذهبی آنان را فراهم سازد. باوجود تفاوت‌های چشمگیر بین این دو شخصیت برجسته، مشترکات زیادی در نوع اندیشه سیاسی هر دو و خدمات آنان در زمینه ایجاد تحولات اساسی در تاریخ سیاسی ایران و هند وجود دارد. استفاده تعقل گرایانه از ارزش‌ها توسط گاندی در نیمهٔ اول قرن بیستم، و از سوی امام خمینی(ره) در نیمهٔ دوم همان قرن به عنوان رخداد فوق‌العاده روزگار سیاستمداران مذهبی شناخته شده است.

اگر بخواهیم به عناصر موجود در این دو رخداد بزرگ بپردازیم و شباهت‌های اندیشه و اولویت بندی‌های سیاسی هر دو رهبر خیزش استقلال را دنبال کنیم، نخست بایستی به ترتیب برخی از ابعاد مهم نوع تفکر این دو نابغه روزگار را مورد ارزیابی قرار دهیم و سپس مشترکات و شباهت‌های موجود در اندیشه‌های سیاسی شان را بررسی کنیم.

وقتی شخصیت گاندی را مورد بحث قرار دهیم می‌بینیم که او اساسا و اصالتا یک فیلسوف سیاسی، طرّاح نظام و پایبند به مکتب خاص سیاسی نبود کما اینکه از اغلب واکنش‌های گفتاری و نوشتاری وی بر می‌آید که او معمولاً طبق اقتضای احوال، اظهار نظر می‌کرد البته چارچوب و ساختار اساسی نگرش وی همیشه یکی بود و هیچ وقت از ریشه‌های اندیشه، اختلاف نمی‌کرد. در واقع، دید سیاسی گاندی درهم آمیخته ارزش‌های شرقی و غربی بود حال آنکه وی بسیاری از گرایش‌های سیاسی غرب را قبول نداشت و به طور علنی و عملی اختلاف نظر خود را اعلام می‌کرد که مثال بارز آن عدم سلطه جویی و نظریه ضد استعمار و استثمار اوست.

گاندی معتقد بود سیاست، ابزاری برای بهبود و توسعه انسانی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و معنوی است. گاندی به یکی از دوستان آفریقایی گفته بود: "The Bent of his mind is Religious and not political" (گرایش ذهنی وی بیشتر مذهبی است تا سیاسی[1]. با این حال او اگر مطمئن می‌شد که بدون ورود به صحنه سیاسی نمی‌تواند مردم کشور هند را از استعمار، فقر و بی‌کاری نجات دهد،

1. Gandhi’s Rise to Power: Indian Politics 1915-1922, by Judith M Brown, p. 155.

هیچ وقت به فعالیت‌های سیاسی نمی‌پرداخت.

او در طول رهبری خود در فرایند استقلال هند، اعتقاد راسخ داشت که کشور هند نباید توسط عناصر استثماری و استعماری خارجی اداره شود و قطعا باید یک نظام مردم سالارانه هندی بر این کشور حاکم باشد. ویژگی‌های مهم اندیشه سیاسی گاندی را می‌توان بدین ترتیب توضیح داد:

- گاندی تلاش داشت که عدم خشونت یکی از عناصر خاص سیاست راهبردی او باشد و در این راستا معتقد بود که ما باید نفاق درونی‌مان را که همیشه باعث خشونت است از خود دور کنیم. او همواره می‌گفت که ما نمی‌توانیم در عرض یک روز هم به معبد مسیحی‌ها، یهودی‌ها و مسلمان‌ها سربزنیم و روز بعد در مقابل همدیگر قرار گرفته بجنگیم.
- به عقیده وی عدم همکاری با شر و بدی به اندازه همکاری با خداوند ضروری است. او طی یکی از جلسات مهم دادرسی در سال ۱۹۲۲ م در هند گفته بود ما همان قدر که موظفیم خوبی‌ها را در جامعه گسترش بدهیم، وظیفه داریم جلوی بدی‌ها را نیز بگیریم[1].
- گاندی معتقد بود اعتقاد دینی، انسان را به توسعه صلح و انسان دوستی وادار می‌کند البته این عمل، اراده و فداکاری می‌خواهد.
- گاندی به همسویان خود تاکید می‌نمود که ما باید به رنج کشی‌ها عادت کنیم و در برابر هرگونه ابتلاء، صبور باشیم کما اینکه می‌بینیم هر دستآورد و موفقیت گاندی، ناشی از تحمل و قبول رنج‌هایی است که وی در مقابل سختی‌ها و آزمایش‌هایی چون، فقر، دستگیری، زندانی شدن، ضرب و شتم و حتی قتل داشته است.
- گاندی یک فرد حقوق دان و انقلابی بود که در سایر فعالیت‌های مردمی برای عدالت اجتماعی و استقلال کشور نقش اساسی را ایفاء نمود.
- گاندی باور داشت که ما باید بیشتر به روح‌مان بپردازیم تا به نیازهای فیزیکی، چون هر چقدر روح‌مان سالم بماند می‌توانیم در راستای خدمت به خلق و قرب

1. Gandhi: A Very short introduction, by Parekh Bhiku, P 91.

خدا، گام‌های بهتری برداریم.

- گاندی، حامی سرسخت مستضعفین بود و نمونه چنین حمایت وی از مستضعفین را هم در مسایل اجتماعی هندوستان و هم در مسایل جهان می‌توان دنبال کرد کما اینکه او از اقوام پست و عقب مانده هند که «هریجان» نام دارند در زمانی اعلام حمایت کرد که لمس کردن‌شان بالعموم، عواقب نامطلوبی داشت و همچنین او در ارتباط با مسئله فلسطین و اشغال گری صهیونیست‌ها گفته بود:

“Palestine belongs to the Arabs in the same sense that England belongs to the English or France to the French. It is wrong and inhuman to impose the Jews on the Arabs. Surely it would be a crime against humanity to reduce the proud Arabs so that Palestine can be restored to the Jews partly or wholly as their national home”.

"فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها به همان معنایی‌ست که انگلستان متعلق به انگلیس‌ها و یا فرانسه به فرانسوی‌هاست. این یک جنایت بزرگ و غیرانسانی خواهد بود اگر یهودی‌ها بر سرزمین فلسطین تحمیل شوند چون به مرور این امر باعث تسلط صهیونیست‌ها بر سرزمین فلسطینی‌ها خواهد شد و به صورت جزئی ویا کلی به حالت میهن‌شان درخواهد آمد"[1].

- گاندی حتی پس از استقلال هند همیشه ترجیح داد با قشر پائین جامعه هندی زندگی کند و دارای اختیاراتی نباشد که همیشه احتمال سوء استفاده را دارد.
- گاندی همواره اذعان داشته که باید سایر ادیان جهان را محترم بدانیم چون صلح و صداقت در همه ادیان وجود دارد.
- او معتقد بود زندگی معنوی، سیاسی و اجتماعی باید سرشار از صداقت و راست‌گویی باشد.
- گاندی باور داشت، بدون اینکه به فکر نتیجه باشیم باید در راستای بدست آوردن عدالت اجتماعی و انسان دوستی، مقاومت خودمان را ادامه دهیم.

1. The Jews in Palestine, by Mahatma Gandhi, Harijan journal, p. 9.

موارد فوق الذکر برای گاندی صرفا راهکارهای مقدس و عاشقانه نبوده بلکه او معتقد بود آنها مقررات واقعی و طبیعی کره زمینی است و اگر ما آنها را رعایت کنیم و در زندگی مان به عمل آوریم جامعه ما پر از خوبی‌ها و عاری از خشونت و بدی‌ها خواهد شد[1].

با توجه به مطالب فوق‌الذکر و عناصر ساختاری موجود در اندیشه سیاسی گاندی به نظر می‌رسد که او یک فیلسوف هندی و متفکر سیاسی است که هم اکنون به عنوان معمار هند پس از استقلال شناخته می‌شود.

همچنین اگر بخواهیم به شخصیت امام خمینی(ره) و نقش ایشان در متحقق شدن انقلاب اسلامی بپردازیم باید نکات زیر را در نظر داشته باشیم:

- نهضت امام، یک نهضت فرهنگی ـ معنوی برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بود که در بین همه جهش‌های سیاسی معاصر بی‌سابقه است.
- امام، مقاومت و موضع گیری سیاسی خود را وظیفه دینی، تلقی می‌کرد و در رابطه با مواضع مقاومتی خود هیچ گونه سازشی قایل نبود به همین دلیل ملت ایران نیز حمایت از این قیام را مثل سایر فرایض مذهبی، فریضه دینی دانست.
- قیام امام خمینی(ره) صرفا یک قیام ضد نظام حاکم و یا فقط یک نهضت ملی نبود بلکه یک خیزش کاملا فرا ملی و ضد استعمار غرب و آمریکا بود که بازتاب جهانی را به همراه خود داشت.
- سخنرانی‌ها و پیام‌های امام برای سایر مسلمانان جهان بود و حامی و حامل پیام‌های امام، روحانیونی بودند که جامعه برایشان احترام ویژه قایل بود و آنان نیز با نهایت امانت داری، پیام‌های امام را به نقاط مختلف جهان می‌رساندند.
- قیام امام توانست اسلام معاصر را از یک دین و آیین، به یک نظام انقلابی سیاسی و اجتماعی تبدیل بکند که به مرور، مانع تاثیر گزاری سلطه جویی غربی‌ها و مکاتب سیاسی چون مارکسیسم و غیره. بر دانشمندان جهان شد و دین اسلام به عنوان دینی انقلابی و یک ایدئولوژی مترقی به جهانیان معرفی شد.

---

1. Mohandas Gandhi: Essential writings, Maryknoll, P 39-45.

- قیام امام، سرآغاز رویکرد مقاومتی مردم به منظور ریشه کن کردن رژیم شاهنشاهی و همچنین نقطه پایانی احزاب و نهادهای سیاسی که برای حفظ نظام شهنشاهی، پافشاری می‌کردند، بوده است[۱].

در جمع، عمده تلاش امام، تشکیل یک حکومت اسلامی بر مبنای قوانین و مقررات اسلامی به عنوان جایگزین رژیم شاهنشاهی حاکم بر ملت ایران بوده است.

در بین ویژگی‌های ذکر شده برخی از نگرش‌های هر دو رهبر به طور صریح مشترک است؛ به عنوان مثال اگر از مورد آخرالذکر شروع کنیم می‌بینیم که هر دو رهبر با سبک خاص خود تاکید داشتند که ما مکلف به وظایف خودمان هستیم نه موظف به نتایج. علاوه بر این حمایت امام خمینی(ره) و ماهاتما گاندی از مستضعفین جوامع جهان را می‌توان به عنوان یکی از محورهای اساسی و مشترک این دو رهبر بزرگ توصیف کرد و همچنین ماهاتما گاندی اقشار پائین اجتماعی هند را «هریجان» یا (بندگان خدا) نامید و نهادهایی را برای بهبود وضعیت اجتماعی، مالی و آموزشی آنان تأسیس کرد؛ امام خمینی(ره) نیز اقشار ضعیف جامعه اعم از ایرانی و غیر ایرانی استثمار شده جهان را به عنوان مستضعفان توصیف کرد و راه کارهایی را برای ترفیع موقعیت آنان تدارک دید. امام خمینی(ره) و مهاتما گاندی آزادی درونی را به آزادی خارجی ترجیح می‌دادند و آزادی مورد نظر هر دو این شخصیت، مبتنی بر اعتقادات آنان به خداوند بود. آزادی مورد نظر امام خمینی(ره) از نظر اعتقادی وی مبتنی بر وحدانیت خدا بوده و ایشان معتقد بود، چون خدا واحد است همهٔ انسان‌ها همانند اعضای یک خانواده هستند و آزادی در صورت تسلیم کامل انسان در برابر خدا،حق اوست.

افزون بر این، سیمای سلوک و عرفان در شخصیت امام راحل(ره)موج می‌زند و نمونه‌های بارز تصوف و تقدس‌گرایی را در روش زندگی گاندی نیز می‌توان به راحتی مشاهده کرد چون دغدغه هر دوی آنان بیشتر صلابت روحی و معنوی بود تا سلامت جسمی و فیزیکی.

---

1. The Islamic revolution of Iran- A sociological Study, Vol 1, Trans: Dr. Sadruddin Moosavi, P 59.

در خور ذکر است که هم گاندی و هم امام خمینی(ره) توجه بیشتری به درون انسان داشتند تا به محیط بیرونی وی. از نظر هر دو رهبر، نقطهٔ آغاز هر اصلاح، خود انسان است. هر دوی آنان باور داشتند که دست یافتن به آزادی سیاسی، مانند آزادی روحی، تنها از راه تزکیهٔ نفس تحقق می‌پذیرد. هر دوی آنان معتقد بودند که قبل از رهایی ملت‌هایشان از چنگ استبداد و استعمار باید خود را از هرگونه هوا و هوس دور نگه دارند. طبیعی است که آن دو شخصیت این شیوهٔ مبارزه را از خود شروع کردند. ماهاتما گاندی و امام خمینی(ره) به پیروان خود آموختند که تنها کسانی که بر نفس خود تسلط دارند می‌توانند بر مردم حکومت کنند. به همین دلیل امام بیش از هر چیز بر مبارزه با نفس تأکید داشت و موفقیت هر قیامی را مشروط به آن می‌دانست، گاندی نیز معتقد بود که این از جمله ثمرات تجارب معنوی است که او نایل به چنین قدرتی در حوزهٔ سیاسی شده است.

بی‌تردید، امام خمینی(ره) شخصیت بزرگ و به یادماندنی قرن بیستم است. حکومت اسلامی، توسط ایشان بر پایهٔ آموزه‌های اسلامی تشکیل یافت و این یک پدیده بسیار فوق‌العاده‌ای است. امام خمینی(ره) آزادی را به عنوان یک ارزش غربی نمی‌دانست و معتقد بود که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص)، بنیان‌گذار آزادی است و او اعتقاد داشت آزادی حق اولیه انسان‌هاست که خداوند به آنها هدیه کرده است. امام خمینی(ره)نیز آزادی را حق بشر می‌دانست و همیشه توصیه می‌کرد که آزادی نیازی به تعریف ندارد و یک امر طبیعی است و همه انسان‌ها باید با مفاهیم آزادی و حدود و ثغور آن آشنا باشند.

امام خمینی(ره)در ارتباط با مفهوم آزادی برای اقلیت‌های مذهبی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین گفته بود:

> "تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند"[۱].

---

۱. صحیفه امام، ج ٤، ص ٤٤١.

و همچنین می‌فرماید:

"اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد و ما با آنها با کمال انصاف و مطابق با قانون عمل خواهیم کرد. آنان برادران ایرانی ما هستند، آنان هم از شاه و دار و دسته‌اش به تنگ آمده‌اند"[۱].

از طرفی دیگر، گاندی نیز در ارتباط با حقوق و نقش اقلیت‌ها در شکل گیری دموکراسی اصیل چنین اظهار نظر داشت:

"Democracy must in essence… mean the art and science of mobilizing the entire physical, economic and spiritual resources of all the various sections of the people in the service of the common good of all".

مردم سالاری یک ماهیتی دارد و ماهیت اصلی آن استفاده از استعدادهای اقشار مختلف جامعه در راستای تعالی خوبی‌ها، معنویت و اقتصاد برای همگان است[۲].

افزون بر این، رد روش‌های متداول نظام‌های غربی را می‌توان به عنوان ویژگی مشترک امام خمینی و ماهاتما گاندی توصیف کرد، طوری که امام خمینی(ره) مقررات تدوینی توسط واشنگتن و مهاتما گاندی مقررات تدوینی توسط لندن را رد کرده و با در نظر گرفتن روش‌های خاص خود برای برقراری نظام حکومتی، ابتکارهایی را به خرج دادند؛ به این ترتیب، تشکیل نظام اسلامی در ایران سلطه آمریکا را بر خاورمیانه محدود کرد همان طوری که استقلال شبه قاره هند، تاج امپریالیسم انگلیس را تاراج نمود.

مهم‌ترین ویژگی مشترک هر دو رهبر این است که هیچ کدامشان تفکیک بین دین و سیاست را نپذیرفتند، چون هر دو به سنّت و ارزش‌های دینی شان سخت وفادار بودند در حالیکه این وفاداری به ارزش‌های دینی ـ فرهنگی نه تنها باعث کناره گیری هیچ کدامشان از صحنه سیاست نشد بلکه آنها را به حضور و فعالیت بیشتری وادار کرد. کما اینکه ماهاتما گاندی گفته است:

---

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ٤۰۱.

2. Mind of Gandhi, (Encyclopedia), by: P. K. Prabhu, P: 143.

"دلبستگی من به حقیقت مرا به قلم و سیاست کشانید و بدون تأمل و در نهایت فروتنی می‌گویم، کسانی که مدعی‌اند دین با سیاست وجه اشتراکی ندارد از دین هیچ نمی‌دانند"[۱].

وی همچنین می‌گوید:

"سیاست من و تمام فعالیت‌های دیگرم از مذهبم ناشی می‌شود"[۲].

همچنین امام خمینی(ره) در این مورد می‌فرماید:

"دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاسی است حتی عبادتش"[۳].

بنابراین، سیاست از دیدگاه امام خمینی(ره) و ماهاتما گاندی بر زمینهٔ دینی و سنتی استوار بود.

هر دو رهبر بر اصل حاکمیت مردم اعم از مرد و زن تأکید داشتند و معتقد به مشارکت سیاسی زنان نیز بودند و در این راستا، راهکارهایی را نشان داده و زمینه‌های آن را فراهم آوردند. به نظر ماهاتما گاندی زن، تجسم صورت خارجی عدم خشونت است. این باور گاندی نتایج ارزشمندی برای سیاسی نمودن زنان هندوستان داشت، همان طور که برداشت امام خمینی(ره) از اسلام در مورد زن نیز دارای همین نتایج بود. بدین ترتیب هم گاندی و هم امام خمینی(ره) زمینهٔ شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی را فراهم کردند و زنان ایرانی و هندی در مبارزات ضد استبداد، استعمار و متجاوزان نقش مؤثر و چشم‌گیر داشتند.

علاوه براین، موضع ضد استعمار غربی هر دو رهبر آزادی و استقلال که توانستند رویکرد جاه طلبانه و سیطره جویانه غرب را به چالش بکشند ویژگی بارز این دو سیاست‌مدار، به شمار می‌رود. در عین حال هر دو معتقد به قدرت معنویت و تعادل بوده‌اند.

از دیگر ویژگی‌های مشترک امام خمینی(ره) و ماهاتما گاندی، عدم پذیرش شیوه‌های تروریستی و خشونت آمیز در مبارزات سیاسی است. آنان با استناد به اعتقادات مذهبی

---

۱. رامین جهانبگلو، «کنونی بودن گاندی» در: خجسته کیا (مترجم و گردآورنده مهاتما گاندی، در جستجوی حقیقت (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲) ص ١٤

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان.

خود، هرگونه روش تروریستی در مبارزات خود را نفی کردند و شیوه‌های خشونت آمیز و تروریستی گروه‌های رادیکال مذهبی و کمونیستی هیچ گاه مورد تأیید آنان قرار نگرفت. البته هیچ یک از دو رهبر، شیوه‌های سازش کارانه و فعالیت سیاسی در قالب نظام حاکم را نپذیرفتند و هر دو معتقد به انقلاب به معنای واقعی آن یعنی تغییر نظام حاکم و تأسیس نظام سیاسی نوین بودند.

لازم به ذکر است که نه ماهاتما گاندی و نه امام خمینی(ره)، هیچ کدام اعتقادی به الگوی دموکراسی غربی نداشتند. دموکراسی مورد نظر گاندی و امام خمینی(ره) از آرمان گرایی و اخلاقیات نشأت می‌گیرد. هر دو سعی داشتند که خود را از رواج سیاستِ عاری از اخلاق، فساد سیاسی و اقتصادی، نخوت دیوان سالاران دولتی و انحطاط نمایندگان حاکمیت دور نگه دارند.

بزرگ‌ترین امتیاز مشترک الگوی دموکراسی گاندی و امام خمینی(ره)، تغییر کیفی در صورت و محتوای دموکراسی است. اگر در نظریهٔ سنّت گرایان صرفاً بر هدف و در نظریهٔ جدید بر وسیلهٔ محض تأکید می‌شود، در الگوی دموکراسی مبتنی بر اصول اخلاقی و مذهبی گاندی و امام خمینی(ره) مزایای هر دو ملحوظ است و هر دو با هم، همسازند. با توجه به این، یکی از مهم‌ترین خدمات گاندی و امام خمینی(ره) به نوسازی سیاسی هند و ایران، تلاش آنان برای مبدّل ساختن پارلمان و مجلس دو کشور به یک سازمان سیاسی گسترده و مستقل بود. در هر دو کشور قبل از اقدامات آن دو رهبر، مجلس در اختیار نخبگان سیاسی و اقشار خاص بود. در اثر تلاش‌های گاندی و امام خمینی(ره)، توان مجلس برای بسیج افکار عمومی و اصلاحات اجتماعی و آزادی سیاسی افزایش یافت.

به طور خلاصه چنین می‌توان گفت که این دو رهبر فقید هند و ایران مشترکات فکری فراوانی داشتند که به تبع آن مردم دو کشور نیز از نظر فرهنگی و سیاسی به همدیگر نزدیک شدند و روابط دوستانه‌ای با یکدیگر برقرار کردند. مثال بارز آن اعلام حمایت هند از فتوای امام خمینی(ره) مبنی بر مهدورالدم بودن سلمان رشدی و ممنوعیت چاپ و نشر کتاب گمراه کننده‌اش در هند است.

منابع

۱. صحیفه امام، ج ٤، امام خمینی(ره)، موسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۲. فصلنامه راه اسلام، ویژه‌نامه امام خمینی(ره) ولایت فقیه، خانه فرهنگ ج. ا. ایران در دهلی‌نو، مه ـ ژوئیه ۲۰۱۲ م.

۳. فصلنامه راه اسلام، ویژه‌نامه امام خمینی(ره)، خانه فرهنگ ج. ا. ایران در دهلی‌نو، آوریل ـ ژوئن ۲۰۰۹ م.

٤. کنونی بودن گاندی اثری از رامین جهانبگلو؛ به نقل از نشریه Nonviolence Actuality شماره مخصوص گاندی، پاریس ۱۹۹۱ م.

٥. Imam Khomeini – some aspects of thoughts، مجموعه مقالات، خانه فرهنگ ج. ا. ایران در دهلی‌نو، ۲۰۰۴ م.

٦. The Islamic revolution of Iran- A sociological Study؛ ج ۱؛ ترجمه دکتر صدرالدین؛ انتشارات الهداء، لندن، ۲۰۰۰ م.

7. Gandhi: A Very short introduction, Parekh, Bhiku, Cambridge University, 2000.

8. Gandhi’s Rise to Power: Indian Politics 1915-1922, Judith M. Brown, Cambridge University, 1974.

9. Mind of Gandhi, (Encyclopedia) P.K. Prabhu, Ahmadabad, Gujrat, 1960.

10. Mohandas Gandhi: Essential writings, Maryknoll, New York, 2002.

11. The Jews in Palestine, Mahatma Gandhi Harijan Journal, May, 1939.